

انحرافات اجتماعی و راه‌های پیشگیری و اصلاح آن از دیدگاه قرآن کریم

هادی اسلامی^۱

چکیده

معاشرت با دیگران، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای روحی و روانی انسان است؛ تا جایی که به عقیده بسیاری از فیلسوفان، انسان مدنی بالطبع است؛ یعنی ذات و فطرت آدمی به گونه‌ای است که خواهان زندگی اجتماعی است. حال که انسان چاره‌ای جز زندگی اجتماعی ندارد برای برخورداری از محیط مناسب اجتماعی نیاز به آرامش و امنیت اجتماعی دارد؛ این در حالی است که وجود انحرافات گوناگون اجتماعی باعث از بین رفتن آرامش و امنیت اجتماعی و بازماندن انسان از سعادت دنیا و آخرت می‌شود. قرآن کریم انحرافات اجتماعی و پیامدهای آن را مطرح نموده، و راهکارهای پیشگیری و اصلاح انحرافات را نیز به طور کلی بیان کرده است. علت به وجود آمدن انحرافات اجتماعی، تخلف از قوانین الهی است، اگر اعضای افراد جامعه به آموزه‌های الهی عمل کنند، از به وجود آمدن انحرافات اجتماعی پیشگیری خواهد شد؛ و اگر در مواردی جامعه مبتلا به انحرافات شده باشد راه اصلاح آن برگشتن به مسیر هدایت و رعایت همان آموزه‌های الهی است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است؛ و در پی آن است که برخی از مهمترین انحرافات اجتماعی را که قرآن کریم انسان‌ها را از انجام آنها نهی کرده است، معرفی و سپس راه‌های پیشگیری و اصلاح این انحرافات را بیان نماید.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، انحرافات اجتماعی، پیشگیری، اصلاح

^۱ دانش‌آموخته دکتری، قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران.

طرح مسأله

انسان موجودی اجتماعی است و آغاز و سرانجام زندگی انسان در جامعه شکل می‌گیرد. انسان نه تنها برای آغاز حیات خود نیازمند دیگران هست، بلکه در مراحل بعدی زندگی نیز به دیگران محتاج است. انسان در معاشرت با دیگران خود را بهتر می‌شناسد، و متوجه ویژگی‌ها و توانمندی‌ها و ناتوانی‌های خود می‌شود و با تقویت فضیلت‌ها و زدودن رذیلت‌ها به رشد و تعالی می‌رسد، چرا که بسیاری از فضیلت‌های اخلاقی مانند گذشت، ایثار، انفاق، مهربانی و... در معاشرت با دیگران حاصل می‌شود و در نهایت حضور تک‌تک همین افراد است که جامعه را شکل می‌دهد.

حیات و مرگ یک جامعه بستگی به رعایت ارزش‌های اخلاقی و ایمانی دارد. از دیدگاه قرآن کریم جامعه‌ای دارای حیات است که افراد آن جامعه به خداوند ایمان داشته و اهل عمل صالح باشند، و اگر فاقد این ویژگی ارزشی باشند دچار مرگ اجتماعی خواهند شد. در بیشتر جوامع امروزی ما شاهد انحرافات هستیم که زندگی انسان را تحت تاثیر منفی خود قرار داده و موجب دوری انسان از خویش و در نتیجه از خداوند شده است. دین مبین اسلام در آموزه‌های قرآنی به مبارزه با انحرافات برخاسته و آنچه را که در اولویت سفارشات خود قرار داده است پیشگیری از انحرافات اجتماعی است. درست بر اساس همان قاعده‌ای که می‌گوییم پیشگیری بهتر از درمان است. قرآن به عنوان مهمترین منبع اصلی دین اسلام آموزه‌ها و راه کارهای معرفتی و اخلاقی را به منظور پیشگیری از انحرافات اجتماعی و درمان آن بیان کرده است. این وظیفه ما مسلمانان است که با آشنایی از آموزه‌های قرآنی، انحرافات اجتماعی را در کنار ارزش‌های اجتماعی بشناسیم، و از آن پیشگیری کنیم و اگر در مواردی جامعه دچار انحرافات شده است برای برطرف کردن آن اقدام نماییم.

آنچه قرآن در صدر همه مسائل به آن پرداخته است مسأله توحید و شرک است. قرآن ریشه انحرافات اجتماعی را دوری از خدا می‌داند. اگر افراد جامعه سبک زندگی خود را بر اساس آموزه‌های توحیدی و خدا محور قرار دهند و از کفر و شرک و مظاهر آن که هر گناهی ریشه در کفر و شرک دارد پرهیز نمایند بدون شک جامعه و افراد آن به سعادت واقعی خواهند رسید. اما اگر افراد جامعه اسلامی شناخت درست و توجه لازم نسبت به انواع انحرافات اجتماعی نداشته باشند، ناخودآگاه در شناخت کجروی و شیوه‌های کنترل و پیشگیری آنها به بیراهه خواهند رفت.

۱. مقدمه

از نظر جامعه‌شناسان، هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگ خود دارای عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای متفاوتی است، در نتیجه با معیار واحدی نمی‌توان کجروی‌ها را شناسایی نمود زیرا در هر جامعه‌ای انحرافات معنا و مصداق که خاص خود را دارد. می‌گویند: انحرافات اجتماعی اموری نسبی هستند و در هر جامعه‌ای متفاوتند، هرچند انحرافات مشترکی هم وجود دارند که در بیشتر جوامع بشری به عنوان انحراف شناخته می‌شوند. قرآن کریم با پذیرش وجود تفاوت‌ها و ارزش‌های نسبی در جامعه بشری، آن را منحصر در تفاوت‌ها و ارزش‌های قراردادی و اعتباری می‌داند و نسبت در ارزش‌های واقعی و حقیقی را نمی‌پذیرد. خداوند متعال در قرآن کریم بعد از آنکه به تفاوت‌های موجود در میان مردم اشاره می‌کند می‌فرماید ملاک برای ارزش‌گذاری انسان و جامعه فقط تقوای الهی است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». (حجرات: ۱۳) ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و در گروه‌ها و تیره‌های بزرگ و کوچک جایی دادیم تا یکدیگر را بشناسید همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شما است قطعاً خداوند عالم و آگاه است. ارزش‌های واقعی انسان در هیچ زمان و مکانی هرگز نسبت بر نمی‌دارد.

از دیدگاه اسلام و قرآن، انحرافات اجتماعی در ارتباط با قوانین پروردگار تعریف و معنادار می‌شوند؛ یعنی تمامی پدیده‌های اجتماعی که در مقابل قوانین الهی و ناقض آن باشند، از نظر اسلام و قرآن انحرافات اجتماعی تلقی می‌گردند. انحراف در لغت به معنای کج شدن، کج رفتن، از راه راست منحرف شدن است. (فرهنگ فارسی معین) انحراف از نگاه دینی به معنای «خروج از حق و راه مستقیم دین» است. واژه‌ای که مترادف با معنای انحراف است، کلمه (زَیغ) است که در قرآن به معنای انحراف از حق به واسطه قلب و چشم آمده است. انحراف از نظرهای گوناگونی قابل تعریف است؛

– **حقوقدانان** از نظر حقوقی در تعریف انحراف گفته‌اند: «عملی که به وسیله قانون منع شده و مرتکب آن طبق قانون کیفر می‌بیند». (شیخاوندی، جامعه‌شناسی انحرافات، ص ۴۵) اینان چون به قانون و کیفر بیشتر توجه نشان می‌دهند اسم آن را «جرم» گذاشته‌اند.

– **جامعه‌شناسان** با نگاه جامعه‌شناختی در تعریف انحراف گفته‌اند: «رفتار فردی یا گروهی که با الگوها و هنجارهای جامعه‌وی انطباق ندارد». (همان، ۳۷) و یا «رفتار شکننده هنجار». (سلیمی، جامعه‌شناسی کج روی، ص ۲۲۲)

– **عالمان دین** در تعریف انحراف گفته‌اند: از نگاه دینی می‌توان آن را «مخالف با دستورات الهی» و «انحراف از حق و راه مستقیم دین» تعریف کرد. (مدرسی، من هدی القرآن، ج ۹، ص ۴۵۵)

این تعریف های گوناگون نشانه تفاوت معیارها برای سنجش پدیده انحراف و کجروی است. در دیدگاه حقوقی معیار و مقیاس کجروی نسبت به «قانون» است؛ قطع نظر از اینکه قانون عادلانه و مطلوب باشد، یا ظالمانه و نامطلوب. از نگاه جامعه شناسی، معیار ارزیابی یک رفتار، «نوع رابطه آن با هنجارها و قواعد زندگی اجتماعی» است. اعم از اینکه هنجارها در ذات خود خوب باشند یا بد. اما از نظر دین معیار تعیین رفتار و ارزیابی آن، «تکلیف الهی» است؛ و تعریف قرآن از انحراف اختصاص به رفتار ندارد، کج اندیشی و کج باوری را نیز در بر می گیرد.

با توجه به مفهوم انحراف، انحرافات اجتماعی همان اختلالها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی است؛ زیرا اگر در جامعه ای هنجارها مراعات نشود، کجروی و انحراف به وجود می آید. یعنی انحراف زمانی پدید می آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پابندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش انحراف اجتماعی است. در هر جامعه ای انتظار می رود که اعضای آن از هنجارها و ارزش های اجتماعی تبعیت کنند. اما همیشه افرادی در جامعه یافت می شوند که از پاره ای از این هنجارها و ارزش ها تبعیت نمی کنند. افرادی که همواره در جامعه پایبند هنجارها و ارزش ها نباشند، افرادی کجرو یا منحرف نامیده می شوند؛ و به این گونه رفتارها انحراف اجتماعی می گویند.

انحرافات اجتماعی و فرهنگی بر خلاف امراض جسمانی، دارای تعاریف روشن و یکسانی نیستند. ممکن است یک رفتاری در نظر افراد یک جامعه انحراف و در نظر جامعه ای دیگر، کاملاً عادی و بهنجار باشد. در جامعه دینی معیار و ملاک برای تعیین و تشخیص ارزش ها و انحرافات، دستورات و آموزه های دینی است. برخلاف جوامع لائیک که معیار و ملاک در تشخیص و تعیین هنجار و ناهنجاری، صرفاً خواست و تشخیص عموم مردم آن جامعه است. از آن جایی که جامعه اسلامی بر اساس اصول و مبانی آموزه های قرآنی است، نیازمند تحلیلی قرآنی از انحرافات اجتماعی هستیم. این مقاله درآمدی به «انحرافات اجتماعی از منظر قرآن کریم» است که مهم ترین دغدغه آن آشنایی با رویکرد قرآن کریم در تعریف کجروی، مبانی نظری تبیین انحرافات اجتماعی و راه های پیشگیری و درمان آن می باشد، تا در نظر اندیشمندان علوم اجتماعی قرار گیرد که از این طریق گام ناچیزی برداشته و انگیزه ای برای تحقیقات جدی و پردامنه آنها فراهم گردد.

۲. مفهوم شناسی انحراف اجتماعی

از نظر جامعه شناسان «کجروی» یا «انحرافات اجتماعی» به رفتاری اطلاق می شود که برخلاف هنجارهای اجتماعی یک جامعه باشد. اولاً: آن رفتار باعث نقض هنجارهای مهم جامعه باشد؛ ثانیاً: از نظر اکثر مردم قابل مجازات باشد؛ لذا از منظر جامعه شناختی با توجه به اینکه همه هنجارهای اجتماعی اهمیت ویژه

ندارند و عدم همنوایی با آنها ممکن است مورد اغماض و چشم پوشی قرار گیرد، تنها به آن دسته از ناهنجاری ها توجه می شود که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به نظر اکثر مردم مردم گناه تلقی شود. در این نگاه «کجرو» به فردی گفته می شود که اولاً: با هنجارهای مهم همنوا نباشد؛ ثانیاً: ناهنجاری اش تا دیرگاهی ادامه یابد. بنابراین به فردی کجرو اطلاق می شود که به دفعات رفتار نابهنجار را تکرار نماید.

در تعریف انحراف اجتماعی برقید «مخالفت با هنجارهای مهم اجتماعی» تاکید می نمایند، این تأکید مبتنی بر این پیش فرض است که وجود انحراف اجتماعی، تا حدودی در هر جامعه ای طبیعی است، لذا هر نوع ناهنجاری را نباید انحراف اجتماعی تلقی نمود، بلکه مخالفت با هنجارهای مهم اجتماعی معیار نامگذاری کجروی می باشد. به طور کلی از تعاریفی که جامعه شناسان نسبت به رفتار بهنجار و نابهنجار ارائه می دهند، هیچ ملاک واحدی برای شناسایی آن به دست نمی آید و این مشکل متأثر از نسبیت گرایی است که آنها برای عقائد، ارزش ها و هنجارها قائل هستند. با توجه به هدف این تحقیق که در صدد بررسی انحرافات اجتماعی از منظر قرآن کریم است، این مسأله را از منظر قرآن مورد بررسی قرار می دهیم.

- مفهوم قرآنی انحرافات اجتماعی:

از دیدگاه قرآن کریم، معیار مشروعیت و اعتبار یک عقیده، ارزش و هنجار هماهنگی آن با خواست و رضای خداوند متعال است. طبق این مبنا رفتار بهنجار صرفاً رفتاری نیست که ضوابط اجتماعی اقتضا می کند، زیرا چه بسا قوانین اجتماعی مطابق حق نباشند، و لذا منبع کشف و دریافت قواعد و اصول اجتماعی کتاب خدا، سنت پیامبر(ص)، سخن و سیره معصومین(ع) و حکم عقل می باشد؛ به عبارتی هر چه از این چارچوب دینی خارج شود و ارزش های مورد نظر آن را به رسمیت نشناسد، به عنوان انحراف محسوب می شود. بنابراین می توان انحراف اجتماعی از دیدگاه قرآن را چنین تعریف نمود: هر نوع ایده، ارزش و رفتاری که برخلاف و در مقابل شریعت الهی باشد، انحراف اجتماعی است.

واژه ها و مفاهیم قرآنی مربوط به انحرافات اجتماعی از نظر معنی و مصداق، بسیار گسترده و وسیع بوده و قلمرو پر دامنه ای دارند. به طور کلی این مفاهیم را می توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱- مفاهیم عام: مفاهیمی هستند که شامل هر نوع انحراف فردی یا اجتماعی می شوند؛ مانند: ظلم، فساد، فسق، منکر، شر و ...

۲- مفاهیم خاص: مفاهیمی هستند که دلالت بر نوع خاصی از انحراف و کجروی دارند؛ مانند: نفاق، ارتداد، غنا، زنا، شرب خمر، قمار، بی احترامی به والدین و ...

از نگاهی دیگر، منطق قرآن در رتبه‌بندی انحرافات نیز قابل ملاحظه است؛ برخی از گناهان اثر منفی بیشتری دارند و بیشتر مورد نکوهش قرار گرفته‌اند که از آنها به «کبائر» تعبیر شده است: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا». (النساء: ۳۱) اگر از گناهان بزرگی که شما را از آن نهی کرده‌اند اجتناب کنید، از دیگر گناهانتان درمی‌گذریم و شما را به مکانی نیکو درمی‌آوریم. از همین تعبیر «کبائر» فهمیده می‌شود برخی از گناهان، «کبیره» و بزرگ برخی دیگر «صغیره» و کوچک هستند.

بی‌شک انحرافات در عرصه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متعددی وجود دارد که لازم است در آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی به آنها پرداخته شود. چرا که پیشرفت هر جامعه‌ای در تمام زمینه‌ها مستلزم شناسایی انحرافات اجتماعی و پیشگیری و اصلاح آن است؛ تا عدالت در جامعه حاکم شود و زمینه برای زندگی سعادتمندانه انسان فراهم گردد. با توجه به گستردگی مصادیق انحرافات اجتماعی، در این مقاله صرفاً به بررسی برخی از مصادیق مهم آنها پرداخته می‌شود؛ و بر اساس آموزه‌های قرآنی راه‌های پیشگیری و اصلاح آن انحرافات بیان می‌شود.

۳. انحرافات اجتماعی و راهکارهای قرآنی برای اصلاح آن

مهمترین هنجارهای جامعه اسلامی هنجارهای مربوط به امنیت ارزشی و اخلاقی است و هر آنچه امنیت اخلاقی و ارزشی را به طور خاص به خطر می‌اندازد، انحراف ارزشی محسوب می‌شود. در این نوشتار، به نحو اجمال انحرافات ارزشی از منظر قرآن کریم مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است که عبارتند از: کفر، شرک، ارتداد، نفاق، پذیرش ولایت کافران و ظالمان، تسامح در دینداری، مشارکت در ناهنجاری، بی‌عدالتی، انحرافات جنسی، تقلید کورکورانه و مذموم، بی‌توجهی به امر به معروف و نهی از منکر، انحرافات سیاسی.

۳-۱. کفر، شرک، ارتداد

نقطه اشتراک این سه مفهوم به موضع‌گیری صریح در مقابل خداوند متعال و شریعت برمی‌گردد. مهمترین انحرافی که بشریت را تهدید می‌کند، بیگانه شدن با توحید است. جامعه‌ای که در آن کفر و شرک به جای توحید قرار گرفته، نه تنها مهمترین منبع آرامش، صلح و سعادت را از دست می‌دهد، بلکه مهیا و مبتلا به انواع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی می‌گردد، لذا قرآن کریم برای چنین افراد و جوامعی جز ضلالت و ظلمت را ترسیم نمی‌کند: «فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ» (یونس: ۳۲)، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟!.

همان‌طوری که توحید منشأ همه کمالات انسانی است، شرک منشأ همه انحرافات است. توحید که اصل همه حقایق و اساس تکوین است، اثر تشریعی و اجتماعی آن ایجاد وحدت و انسجام بین موحدین در

عرصه زمان و مکان است. اما شرک چون منشائی در تکوین ندارد، لذا بطلان محض است و اثر اجتماعی آن چیزی جز تفرق، گسست و اختلاف در در ارزش ها و هنجار ها نمی‌باشد: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ * فَتَقَطُّوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ». (المؤمنون: ۵۳-۵۲) و این امت شما امت واحدی است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید! * اما آنها کارهای خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به راهی رفتند؛ (و عجب اینکه) هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند!

در میان مراتب مختلف کفر، آنچه که برای برخی از مسلمین در جامعه اسلامی امکان وقوع دارد، کفر عملی و کفر یا شرکت در مقام تشریع است. کفر عملی به ترک برخی از دستورات الهی یا ترک شکر و سپاس در مقابل نعمت های الهی برمی گردد. کسانی که با قبول اجمالی اسلام، جمیع احکام شریعت را مناسب جامعه بشری معاصر نمی‌دانند، بلکه خواهان تغییر این احکام به تناسب مذاق مکاتب بشری هستند، گرفتار شرک در تشریع می‌شوند.

ارتداد که برگشت از اسلام به کفر است، علاوه بر اینکه آسیب‌های کفر را به همراه دارد، باعث می‌شود تا قبح دست برداشتن از اسلام کاسته شود و هر کسی به خود جرأت دهد، آشکارا به انکار ضروریات دینی دست زند. در واقع شدت مجازاتی که اسلام برای مرتد قرار داده، از این جهت است که حیات و هویت جامعه اسلامی و عقاید و ارزش های اسلامی است، لذا کسی که آشکارا دست به ارتداد میزند، در واقع سنگ اندازی به هویت جامعه اسلامی نموده و جامعه را در معرض خطر فتنه و نابسامانی قرار می‌دهد. چنین افرادی زمینه فریب، انحراف و گمراهی افراد ضعیف را که فرهنگ پذیری ارزش های دینی در آنها تثبیت نشده فراهم می‌سازند. قرآن کریم درباره افراد مرتد می‌فرماید: «فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (النحل: ۱۰۶) خشم و غضب الهی بر آنهاست و عذاب بزرگی نصیب آنها می‌شود.

۲-۳. نفاق

نفاق در لغت از ریشه «نَفَقَ» به معنای راهی که در زمین حفر می‌شود و نیز به معنی مسلک و مذهب بوده و منافق را از این جهت منافق می‌گویند که برای رساندن خود به مقصد و مکان دیگر از طریق زمین شده استفاده می‌کند و یا همانند موش صحرایی از سوراخ مخفی استفاده می‌کند. نفاق یکی از انحرافات مهمی است که همواره در جامعه اسلامی وجود داشته است و آسیب‌های سختی بر پیکر آن وارد می‌سازد، لذا قرآن کریم به صورت های مختلف و در آیات متعددی به آن پرداخته است.

وقتی انسان روحیه نفاق داشته باشد به دروغ روی می‌آورد و چیزی را که با قلب نپذیرفته، در سخن و رفتار با آن موافقت می‌کند، منافق خود را موافق جلوه می‌دهد و حال آنکه چنین نیست: «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا

قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُنَ». (البقرة: ۱۴) چون به مومنان می‌رسند می‌گویند: ایمان آورده ایم و چون با شیطان‌های خویش خلوت می‌کنند می‌گویند: ما با شما هستیم و ما مسخره‌کنندگانیم.

۳-۳. پذیرفتن ولایت کافرین و ظالمین

قرآن کریم کفر و شرک را بدترین ناهنجاری معرفی می‌کند، لذا با توجه به اینکه همنشینی، محبت و روابط صمیمانه در اخلاق و رفتار انسان مؤثر است، از ولایت کافرین، ظالمین و اهل اسراف به شدت نهی فرموده است: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ». (آل عمران: ۲۸) افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند.

برخی افراد ممکن است با تأثیر از اندیشه‌های امانیستی، گمان کنند که باید به هر انسانی عشق ورزید و روابط صمیمانه با او ایجاد نمود و نباید به سبب اختلاف در دین و ارزش‌ها محدودیتی در گزینش دوست قائل شد. چنین توهمی از دیدگاه قرآن مردود است. ولایت از منظر قرآن معنای خاصی دارد که مخصوص ارتباط مؤمنین با خداوند، پیامبر و خودشان است و اگر از این دایره خارج شود، نوعی کجروی محسوب می‌شود. آیات فراوانی از قرآن، برقراری رابطه ولایی با کافرین و اطاعت از حاکمان فاسد را نهی می‌کند، بلکه هر نوع اعتماد و میل به ظالمین در امور دین و اجتماع مورد نهی و مذمت قرار می‌گیرد: «وَلَا تَرْكُؤُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ». (هود: ۱۱۳) هیچ اعتمادی به ظالمین کنید تا به آتش جهنم گرفتار نشوید.

اعتماد و رکون به ظالمین به صورت‌های مختلفی شکل می‌گیرد: گاهی برخی افراد در رویکرد بدین اعتماد و توجه به ظالمین دارند، مثلاً، اگر بیان برخی از حقایق دینی مضر به ظالمین باشد، آن را بیان نمی‌کنند، بلکه با مسامحه و سکوت از آن می‌گذرند. یا اگر عمل به امری از امور دینی به میل آنها نباشد، انجام نمی‌دهند. گاهی هم ممکن است سرپرستی جامعه دینی به دست آنها سپرده شود تا مجری جامعه اسلامی باشند. همه اینها در راستای اعتماد و اتکا به ظالمین (یعنی کسانی که تمام دین را نمی‌پذیرند) انجام می‌گیرد. مهمترین آسیبی که از ناحیه این کجروی به بار می‌آید از دست دادن هویت اسلامی است: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا». (البقرة: ۱۰۹) بسیاری از اهل کتاب دوست دارند کاش شما را از ایمانتان خارج کرده و به کفار ملحق کنند.

۳-۴. تسامح در دینداری

از جمله انحرافات که منشاء آسیب‌های بزرگی در جامعه اسلامی می‌گردد، سهل‌انگاری در مراعات حدود و هنجارهای دینی است. همانطوری که مراعات هنجارها و ارزش‌های جامعه اسلامی آثار فردی و

اجتماعی خاصی به دنبال دارد، عدم توجه به آنها هم آسیب های فراوانی به بار می آورد که مهمترین آنها روی آوردن به لذایذ دنیا و غرق شدن در فزون طلبی مادی است. در چنین شرایطی نه تنها ارزش های دینی فراموش می شوند، بلکه خود، موجب تکاثر و ثروت اندوزی می گردند. «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَ يَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا». (الأعراف : ۱۶۹) پس کسانی بعد از آنها جانشین ایشان و وارثان کتاب الهی شدند که دنبال متاع زوال پذیر دنیای پست بودند و می گفتند: به زودی خدا ما را می بخشد.

اقبال به دنیا، مقام و مال، هم معلوم و آسیب سهل انگاری و لابلالی گری در دینداری است و هم مرتبه ای از آن خود سبب تشدید این سهل انگاری و مسامحه می شود. «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنُّوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ * أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». (یونس : ۸-۷) کسانی که امیدی به ملاقات ما ندارند و به حیات دنیا راضی و دلخوش شدند آنها جایگاهشان آتش جهنم است.

به هر میزانی که اهتمام به روز قیامت و باور آن در زندگی کمرنگ تر شود، دنیا طلبی بیشتر خواهد شد و هر قدر گرایش و میل به اعتبارات و ارزش های مربوط به زندگی دنیا بیشتر شود، دین ورزی و گرایش به دینداری کاسته می شود؛ لذا قرآن صراحتاً بیان می فرماید: «ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ». (النحل : ۱۰۷) ترجیح دنیا بر آخرت به تدریج انسان را از اصل ایمان و اسلام خارج می کند.

۳-۵. مشارکت در ناهنجاری

تعاون و مشارکت از بنیان های مهم روابط اجتماعی است. جامعه ای که از مشارکت اجتماعی افراد برخوردار نباشد، روابط و یکپارچگی در آن جامعه به وجود نمی آید. همچنین مشارکت اجتماعی از عوامل مهم فرهنگ سازی است. در فرآیند استمرار یک فرهنگ و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر و نیز در رشد و پویایی آن، مشارکت اجتماعی بستر بسیار مناسبی برای تحقق آن است، لذا قرآن کریم به این پدیده اجتماعی توجه و از آن در فرهنگ سازی تعبیر به «برّ» و «تقوی» نموده است: «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ». (المائدة : ۲) یکدیگر را بر نیکی و پرهیزکاری کمک کنید و از مساعدت در گناه و ظلم به حقوق یکدیگر پرهیز نمائید.

«برّ» لفظ عامی است که هر نوع خیر اعتقادی (عقاید حق) و خیر عملی (چه در عبادات و چه در تعاملات اجتماعی) را شامل می شود، همان طوری که تقوا به معنی مراقبت نمودن در امر و نهی الهی و زیر پا قرار ندادن آنها است. آیه شریفه فوق دستور به برّ و تقوای اجتماعی می دهد، یعنی همگان بر مبنای تقوای الهی،

بر ایمان و عمل صالح اجتماع کنند. در مقابل چنین مشارکت ارزشمندی، تعاون و مشارکت بر گناه و ناهنجاری قرار دارد. از دیدگاه قرآن کریم، وظیفه مؤمنین در جامعه اسلامی بر پای داشتن خیمه برّ و تقوی است و چنین کاری جز با بسیج همه افراد و امکانات حاصل نمی شود. در مقابل، هر نوع کمک و مساعدت در تهیه و ترویج انحراف اجتماعی، به هر شکلی که باشد، مشمول نهی و مذمت آیه شریفه قرار گرفته و خود از انحرافات محسوب می شود.

به تعبیر امیرالمؤمنین علی (ع)، برخی به قدری زندگانی پست جاهلی و بی خبری را پیشه می کنند که زشت ترین چیز نزد آنها، نیکو و نیکوترین چیز نزد ایشان منکر و زشت می شود. چنین افرادی ارزش ها و هنجارهای جامعه اسلامی را مطرح کرده و دنبال تحقق ارزش های غیر اسلامی اند، لذا امر به منکر و نهی از معروف، اشاعه انواع منکرات و ترویج آنها در جامعه در سرلوحه فعالیت های آنها قرار دارد.

قرآن کریم راه مقابله با چنین تهاجم فرهنگی را قیام همه جانبه از سوی صاحبان اندیشه دینی و حاملان رسالت الهی می داند، بدیهی است که انجام این مهم، تحت یک سازمان و اقتدار اجتماعی بهتر به نتیجه می رسد. قرآن علما و روحانیون بنی اسرائیل را مورد مذمت قرار می دهد که چرا در برابر تهاجم به ارزش ها و فراگیر شدن ناهنجاری ها، سکوت اختیار کرده و آنها را بازداشتند: «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ». (المائدة: ۶۳) چرا روحانیون و علما آنها (بنی اسرائیل) ایشان را از سخن ناصواب و خوردن حرام باز نداشتند چه بد عمل می کردند.

۳-۶. بی عدالتی

از دیدگاه قرآن کریم یکی از اساسی ترین عوامل برای انحراف و فروپاشی جامعه بی عدالتی است. به عدالتی بزرگترین ظلمی است که امنیت و آسایش را از جامعه می گیرد. قرآن کریم در توصیف جوامع دوران جاهلیت می فرماید در جوامع جاهلیت، حق و عدالت در داوری ها و قضاوت رعایت نمی شده است: «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ». (المائدة: ۵۰) آیا حکم (و قضاوت) عصر جاهلیت را دنبال می کنند؟. که این مطلب بیانگر این واقعیت است که یکی از منفورترین اعمال در دوران جاهلیت بی عدالتی بوده است. با توجه به این که قوانین اسلام، مبتنی بر قسط و عدل است و جز به عدالت نظر ندارد، لذا حکم جاهلیت که در مقابل اسلام است، حکمی ظالمانه خواهد بود. جامعه ای که قضایا و بنیان های حقوقی و سیاسی اش مبتنی بر حکم الهی نباشد، ساختار آن بر پایه های سست و هواپرستی شکل می گیرد، لذا قرآن کریم در مقابل، حکم نمودن مبتنی بر وحی را مطرح می نماید: «فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ». (مائدة: ۴۸) بر اساس وحی الهی حکم کن و از خواسته های ایشان (با دور شدن) از حقی

که بر تو نازل شده است پیروی مکن. بنابراین قرآن برای پیشگیری از بی‌عدالتی امر به عدالت، قسط و میزان فرموده است.

۷-۳. انحرافات جنسی

با شیوع انحرافات جنسی در جامعه و تبلیغ و ترویج مقدمات و زمینه‌های آن، اساس فرهنگ دینی جامعه در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. امروزه یکی از مهمترین ابزار تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام اشاعه و ترویج آن در جامعه است، خصوصاً با پیچیده‌تر شدن و تنوع رسانه‌ها خطر این کجروی چند برابر شده است.

رفتار جنسی مشروع در اسلام فقط از طریق ارتباط با همسر یا ملک یمین (کنیز) انجام می‌گیرد، لذا طبق عموم آیه شریفه ذیل هر نوع رفتار جنسی خارج از این چارچوب غیرمشروع خواهد بود، اعم از اینکه آن رفتار نامشروع، بین دو جنس مخالف باشد یا از هم جنس و یا از وسایلی که باعث خود ارضایی شود، استفاده گردد: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ». (مؤمنون: ۷-۵) و آنهایی که فروج و اندام شان را حفظ می‌کنند، مگر بر همسران و کنیزان خود، پس هیچ گونه ملامتی بر آنها نیست و هرکس فراتر از اینها را دنبال کند، متجاوز و متعددی (به حدود الهی) خواهد بود. جمله شریفه «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ». (المؤمنون: ۷) عام است، یعنی هر نوع رفتار جنسی که بیرون از محدوده مورد اشاره و آیات فوق باشد، به عنوان تجاوز از حدود الهی شناخته می‌شود.

یکی از رفتارهای جنسی نامشروع و بسیار زشت و شنیع ارتباط جنسی دو مرد است که قرآن کریم با تعبیر مختلفی مثل «خبائث»، «الفاحشه» و «المنکر» از آن یاد کرده است: «وَلَوْ طَأَّ آتِنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ». (الأنبياء: ۷۴) و لوط را (به یاد آور) که به او حکومت و علم دادیم؛ و از شهری که اعمال زشت و کثیف انجام می‌دادند، رهایی بخشیدیم؛ چرا که آنها مردم بد و فاسقی بودند! . غیر از آسیب‌های اخلاقی بسیار زشتی که این عمل به همراه دارد، زاد و ولد از این طریق قطع می‌گردد، «تقطعون السبیل»، راه بقاء نسل را قطع می‌کنید. لذا مجازات سختی در اسلام برای آن پیش بینی شده است.

یکی دیگر از رفتارهای نامشروع جنسی، زنا و سفاح است. اسلام با تحریم آن، حرمت و کرامت زن را حفظ کرده و به او ارزش و منزلت داد، بنابراین جز از طریق مقررات خاص شریعت، معاشرت جنسی با او ممنوع گردیده است. در چنین شرایط فرهنگی علاقه و میل به ازدواج تشدید می‌یابد، زیرا هر چه شرایط تحصیل چیزی بی‌اعتبارتر و سلیقه‌ای و ذوقی باشد، رغبت و ارزش اجتماعی آن کاهش می‌یابد. بنابراین

مشاهده می گردد، در کشورهایی که این عمل نامشروع نیست و یا از آن جلوگیری نمی شود، روابط جنسی چنان عنان گسیخته و بی ارزش است که افراد برای اشباع غریزه جنسی روش طبیعی را کافی ندانسته و به دنبال تنوع و شیوه‌های غیرطبیعی می روند. زن در چنین جوامعی از کرامت و حرمت برخوردار نبوده و صرفاً وسیله‌ای برای ارضای جنسی و نمایش زینت و کسب ثروت تلقی می شود. امروزه زشت ترین تصاویر رسانه‌ای مربوط به چنین سیستم های فرهنگی است.

قرآن کریم هم حرمت زنا و سایر انحرافات جنسی را بیان فرموده و هم از زمینه ها و مقدمات آن ممانعت نموده است و سرانجام مجازات خاصی را برای چنین منحرفینی مقرر نموده است: «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا». (الإسراء : ۳۲) به زنا نزدیک نشوید که همانا بسیار زشت و بد راهی است. این رفتار زشت، آسیب های فردی و اجتماعی فراوانی را به بار می آورد. در قرآن کریم سفاح (زنا) در مقابل احسان (عفت) به کار رفته است و این بدان معنی است که زنا باعث از بین رفتن عفت و پاکدامنی انسان مؤمن است: «... أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ». (النساء: ۲۴) به وسیله اموال خود (از طریق نکاح) همسری بگیرید، در حالی که پاکدامن هستید.

با شیوع زنا در جامعه، انگیزه‌ای برای ازدواج و تشکیل خانواده باقی نخواهد ماند، زیرا جز رنج هزینه زندگی، رنج زاد و ولد و تربیت فرزندان و ده‌ها مشکل دیگر حاصلی نخواهد داشت. اولین هدفی که در ازدواج تعقیب می شود، ارضای نیاز جنسی است و فرزندان شدن هم به دنبال آن مطرح می‌شود، لذا اگر زنا در جامعه شیوع پیدا کند، میلی به ارضای نیاز جنسی از طریق ازدواج باقی نمی‌ماند و از سوی دیگر با افزایش روز افزون کودکانی که از طریق نامشروع به دنیا آمد می‌آیند و فقدان رابطه ی محبت و مودت بین آنها و زن و مرد زناکار، سنت ازدواج هم در جامعه ترک می‌شود، و ترک ازدواج، انقطاع و انقراض نسل را به دنبال دارد. با از بین رفتن نسب بسیاری از احکام شریعت، مثل ارث، نکاح و ... از بین می‌رود. همچنین بیماری های تناسلی و جنایات اجتماعی به جرح، قتل و خیانت همگی از آسیب‌های روابط نامشروع جنسی است.

اگر جامعه خواهان سلامت خویش از این بیماری اجتماعی است، باید زمینه‌های بروز آن را مسدود نماید. قرآن کریم به صورت کلی این زمینه ها را نام برده و مسلمین را از آن بر حذر می دارد: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ...». (الأحزاب : ۳۳) در خانه های خود بمانید و همانند زنان (عصر) جاهلیت نخستین (قبل از بعثت) خودتان را آشکار نکنید، «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (النور: ۳۱) مبدا زینت خود را آشکار کنند، مگر آنچه (که به طور طبیعی) پیدا است. «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (النور: ۳۱) و باید به وسیله خمار (مقنعه بلندی که سر و سینه ها را می پوشاند) سینه های خود را بپوشانند. پنهان

داشتن زیورها و زیبایی های بدن برای زن، از چنان اهمیتی برخوردار است که در آیات فوق چندین بار به آن اشاره به آن سفارش شده است.

وقتی که بانوان مسلمان با پوشش مناسب و درست در جامعه حضور یابند، از یک سو زمینه‌ای برای فرصت‌طلبان بیمار دل و مریض باقی نمی‌گذارد، در نتیجه بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی (از قبیل مزاحمت خیابانی، ولگردی، چشم چرانی و...) رخت برمی‌بندد و از سوی دیگر عموم افراد در جامعه اسلامی موظفند تا نگاه های خود را کنترل کنند و با نگاه شهوت آمیز نوامیس مسلمین را دنبال نکنند و حتی بانوان هم باید مواظب چشم خود باشند. چنین تدبیری فرصت را برای برخی از زنان کجرو باقی نمی‌گذارد تا با عرضه خود در جامعه عده ای را صید کرده و به دام انحراف بکشانند. از این رو خداوند خطاب به مردان و زنان می‌فرماید: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (نور: ۳۰) به مردان مؤمن بگو تا چشمان خود فرو بندند. «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ». (نور: ۳۱) به زنان مؤمن بگو تا چشمان خود را (از نگاه به بدن نامحرم) فرو بندند.

۸-۳. تقلید کورکورانه و مذموم

تقلید از جمله پدیده‌های اجتماعی است که هر گاه بر خلاف عقل و ارزشهای اسلامی باشد، به ناهنجاری تبدیل شده و مثل حس گرایی و پندارگرایی باعث عدم پذیرش ارزش ها و عقاید صحیح می‌شود. جامعه ای که هویت فرهنگی خود را فقط از راه و رسم گذشتگان ترسیم کند و هرگز حاضر به نقد نظر آنان با ارزش ها و عقاید دینی نباشد، هیچ گاه آمادگی پذیرش ارزش های دینی را پیدا نمی‌کند. چنین افرادی سنت، آداب و رسوم ملی و فرهنگی خویش را به هر کیفیتی که باشد، اصل دانسته و آن را حفظ می‌کنند: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا». (البقرة: ۱۷۰) آنگاه که آنها به پیروی از وحی دعوت شوند، می‌گویند: بلکه ما بر آنچه که پدرانمان را بر آن یافتیم تبعیت می‌کنیم. قرآن در مقابل چنین منطق ناصوابی، حفظ کردن هویت فرهنگی گذشته را به طور کامل نفی نکرده است، بلکه نوع خاصی از سنت گرایی و جمود بر فرهنگ و گذشتگان را مورد نکوهش قرار می‌دهد: «أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (البقرة: ۱۷۰) آیا اگر پدرانشان نه درک و فهمی داشته باشند و نه به هدایتی رسیده باشند، باز هم از آنها پیروی می‌کنند. بنابراین معلوم می‌شود که برای استحکام فرهنگ اسلامی هم ضروری است که انحرافات شناخته شود و هم باید راهکارهای مناسب برای فرهنگ سازی و عمل به عقاید ارزشی ارائه شود، لذا در جامعه باید بستر لازم و کافی برای تحقق این عقاید و ارزشها فراهم گردد تا هم از انحرافات پیشگیری شود و هم راه برای تکامل معنوی انسان‌ها هموار گردد.

هر جامعه ای علاوه بر الگوهای ذهنی و نظری که همان هنجارها و دستورالعمل ها هستند، نیازمند الگوی عینی است. این الگوها باعث تثبیت ارزشها می شوند. نخبگان و گروه های مرجع، نقش الگوهای عینی را ایفا می کنند. قرآن کریم به این نیاز اجتماعی انسان توجه نموده، و به همین جهت رسول خدا (ص) را به عنوان الگوی نیکو معرفی می نماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب: ۲۱) همانا در رسول خدا الگوی نیکویی برای شما است. هرگاه نخبگان جامعه یا گروه های مرجع، مرتکب رفتار ناهنجاری شوند، یا ایده و گرایش نامطلوبی را ارائه دهند، در این صورت از دو حال بیرون خواب نخواهد بود:

الف) از منزلت رفیع و مرجعیت اجتماعی ساقط می شوند، در نتیجه از جهت اجتماعی چندان آسیبزا نخواهند بود.

ب) منزلت و پایگاه اجتماعی خود را همچنان دارا هستند، در این صورت، ایده، احساس و رفتار آنها به جامعه سرایت می کند و خیلی زود به عنوان الگو و مد، در رفتار و اندیشه برخی افراد جامعه راه می یابند.

علما و اندیشمندان دینی در جامعه اسلامی از جایگاه و نقش ویژه ای برخوردار می باشند. آنها معمولاً برای بسیاری از افراد و گروه ها به عنوان گروه مرجع محسوب می شوند. نقش آنها ابلاغ، انداز، توضیح و تبیین پیام وحی است. هرگاه برخی از این گروه به وظایف و نقش های خویش عمل نکنند یا خود گرفتار انحراف و کجروی شوند، تأثیر چشمگیری در کجروی افراد، خواهند داشت. وقتی نخبگان جامعه به مسئولیت خویش عمل نکنند یا خلاف آن را مرتکب شوند، عینیت اجتماعی ارزش ها و هنجارهای جامعه اسلامی در معرض آسیب قرار می گیرد. چه بسا افرادی که با توجه به رفتار برخی از نخبگان ایدئولوژیک، به سوی انحراف تشویق می شوند یا دست کم رغبتی به ارزش ها و هنجارهای جامعه اسلامی از خود نشان می دهند. قرآن بر اساس چنین تأثیری از ناحیه نخبگان کجرو، آنها را به شدت مورد مذمت و ملامت قرار می دهد: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّهٖ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ» (البقرة: ۱۵۹) همانا کسانی که آیات و نشانه های روشن و مایه هدایت را که فرستادیم و بعد از آن که در کتاب برای مردم بیان کردیم، مخفی می کنند، خدا و لعنت کنندگان بر آنها لعنت می کنند. آیه فوق نشان دهنده انجام ندادن مسئولیت دینی از سوی علما و نخبگان دینی در اظهار حقایق مکتب است که قهراً آسیب آن، گمراهی و انحراف جامعه خواهد بود. همچنین قرآن کریم علما و نخبگان اهل کتاب را به جهت سوء استفاده از منزلت اجتماعی و خود و فرو رفتن در انحرافات اقتصادی، به عذاب دردناک تهدید نموده و آسیب چنین منحرفینی را بازداشتن مردم از راه خدا معرفی می کند. (توبه: ۳۴)

دیگر نخبگان علمی که دارای منزلت اجتماعی ویژه بوده، هرچند در حوزه دین تخصصی ندارند، کم و بیش برای برخی افراد و گروه ها به عنوان گروه مرجع قرار می گیرند. نحوه زندگی، عقاید، رفتار، آداب و رسوم

آنها مورد توجه دیگران است. اگر برخی از آنها نتوانند به نقش و مسئولیت خود عمل کنند یا خود گرفتار انحراف شوند، تأثیر مهمی در کجروی دیگران خواهند داشت. به طور کلی در تمام عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، هرگاه عده‌ای ناهماهنگ با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی به عنوان گروه مرجع برای بخشی از افراد قرار گیرند، باید انتظار وقوع رفتارهای ناهنجار را داشت؛ زیرا چنین افرادی در فرآیند درونی کردن ناهنجاری‌ها در فرد منحرف تأثیر بسزایی دارند. مثلاً در قلمرو مسائل مالی و اقتصادی، قرآن کریم از «قارون» نام می‌برد که حمل کلیدهای صندوق‌ها و خزانه‌هایش افراد تنومند را خسته می‌کرد: «وَءَاتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ». (قصص: ۷۶) و ما گنجینه‌هایی به وی داده ایم که تنها حمل کلید آن‌ها، مردان نیرومند را خسته می‌کرد.

چنین فردی که از نخبگان اقتصادی است، وقتی با ابهت مادی و ظاهری در میان مردم می‌آید، این نتیجه را می‌دهد که احساسات و گرایش‌های افراد دنیا طلب را به سوی خود برمی‌انگیزاند، زیرا آنها آرزو و آرمانی جز آنکه قارون داشت نداشتند و با خود می‌گفتند: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ». (قصص: ۷۹) قارون در حالی که غرق در زینتش بود به سوی قومش بیرون آمد، آنهایی که هدفشان زندگی دنیا بود، گفتند: کاش ما هم می‌داشتیم، مثل آنچه را که قانون دارد که او را بهره‌عظیمی است.

۹-۳. بی‌توجهی به امر به معروف و نهی از منکر (کاهش نظارت و کنترل اجتماعی)

هر جامعه‌ای نیازمند روش‌های مناسبی است تا افراد را از ارتکاب ناهنجاری باز دارد. یکی از روش‌های مهم در پیشگیری از انحرافات و مبارزه با آن «امر به معروف و نهی از منکر» است، در این روش همه افراد جامعه مسئول برخورد با انحرافات اجتماعی هستند.

اگر مردم یک جامعه نسبت به انحرافات عکس‌العملی نشان ندهند و با بی‌تفاوتی شاهد ناهنجاری باشند، چنین جامعه‌ای در معرض هر انحرافی است؛ لذا قرآن کریم امت‌های پیشین را مورد مذمت قرار می‌دهد که چرا از فساد و منکرات جلوگیری نکردند، تا مانع از عذاب الهی شوند: «فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ». (هود: ۱۱۶) پس چرا از میان امت‌های قبل از شما (که به عذاب الهی هلاک شدند) گروهی باقی نماندند تا از فساد در زمین جلوگیری کنند، مگر قلیلی از آنها که ما نجاتشان دادیم.

امر به معروف و نهی از منکر، مطابق آیات قرآن کریم رسالت سنگینی است که بر دوش همه افراد جامعه است، و بی‌توجهی به آن موجب بیماری و انحراف جامعه است.

۳-۱۰. انحرافات سیاسی

تکبر و خودبزرگ بینی نقش مهمی در انحراف دارد، جلوه های اجتماعی آن معمولاً در ابعاد سیاسی جامعه بروز می کند، لذا نقش چشمگیری در انحرافات اجتماعی ایفا می کند، بدین جهت قرآن کریم در مقابل مستکبرین که در رأس هرم سیاسی و اجتماعی جامعه بوده و نهادهای مختلف را تحت تأثیر خود قرار می دهند، مستضعفین را یاد می کند که تحت تأثیر فشار ساختاری ناشی از وجود مستکبرین، تابع آنها شده و هنجارهای آنان را می پذیرند: «... فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا...» (ابراهیم: ۲۱) پس ضعیفان خطاب به مستکبرین گفتند: همانا ما (در دنیا) پیرو شما بودیم.

نمونه بارز جامعه آسیب پذیر جاهلیت، جامعه بنی اسرائیلی فرعون است. او خویش را معبود قومش معرفی کرده و جز خود، احدی را شایسته این مقام نمی دانست (قصص: ۳۸) و خویش را هدایت کننده آن ها معرفی می کرد (غافر: ۲۹) در نتیجه قومش مطیع و منقاد او شدند: «فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ» (هود: ۹۷) پس پیرو دستور فرعون شدند.

فرعون به حدی در روح و فرهنگ زمان خویش تأثیر گذاشت که سبب شد، بنی اسرائیل وارث فرهنگی بسیار منحط در اخلاق و عقائد شود. لذا قرآن کریم فرعون و اطرافیانش را امام و مقتدای همه منحرفین بعدی معرفی می کند: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (قصص: ۴۱) و آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش جهنم دعوت می کنند.

در چنین جامعه ای، رسالت حضرت موسی در درجه اول، متوجه فرعون، نخبگان فرهنگی و اقتصادی حکومت (یعنی هامان و قارون) می شود. (سعید، الانحرافات الکبری، ص ۲۰۶) «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُبِينٍ * إِلَى فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ» (غافر: ۲۳-۲۴) و همانا ما موسی را با آیات خویش و سلطه الهیه آشکاری، به سوی فرعون و هامان و قارون فرستادیم.

جامعه جاهلی فرعون در بردارنده ی استبداد سیاسی (حاکمیت مطلقه فرعون)، استبداد فرهنگی هامانی (کاهن بزرگ حکومت فرعون) و استبداد اقتصادی (قارونی) بود، البته در رأس تمام نهادها استبداد فرعون قرار داشت. از چنین ساختاری جز انحراف و کجروی بر نمی خیزد و فشار اجتماعی زندگی را سخت می کند که فرد چاره ای جز آنچه جامعه اقتضا دارد، نمی بیند. افرادی که در این شرایط به انحراف کشیده می شوند، در برابر سؤال فرشتگان الهی گویند: «قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ» (نساء: ۹۷) گویند ما در زمین ناتوان بودیم. قرآن کریم این منطق آنها را رد کرده و می فرماید: مگر زمین خدا گسترده نبوده، چرا مهاجرت نکردید؟!

از آیه فوق چنین برمی آید که ساختار یک جامعه و نهادهای آن چه بسا می تواند زمینه بسیاری از انحرافات و کجروی ها را فراهم نماید. لذا نقش حکومت، قوانین، نخبگان سیاسی و قدرتمندان در ایجاد انحراف افراد و گروه های کجرو بسیار اساسی می باشد. برای این مورد مستندات قرآنی، روایی، شواهد عینی و تجربی فراوانی است. یکی از آن موارد عمل بنی امیه می باشد، در برخی از روایات چنین آمده است که بنی امیه مردم را در فراگیری ایمان آزاد می گذاشتند، اما در آموختن ویژگی ها و خطوط شرک آزاد نمی گذاشتند تا اگر آنها را به شرک وادار کردند، شناسند (الکلبینی، ج ۲، ص ۴۱۵) از این رو امیرمؤمنین (ع) می فرمایند: «فَلَيْسَتْ تَصْلُحَ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوُلَاةِ». (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) مردم جز از طریق زمامداران، اصلاح نمی شوند.

بنابراین نقش حکومت و اندیشمندان در هدایت یا ضلالت جامعه بسیار با اهمیت است، اگر جامعه از نظر مسائل اعتقادی و علمی پیشرفت کرد یا در این مسائل عقب ماند، باید رمز آن را در حکومت و نخبگان فکری آن جامعه جستجو نمود. با تأمل در آیات قرآن کریم می توان انحرافات اجتماعی را که مانع پیشرفت هر جامعه ای است شناسایی و برای پیشگیری از آن انحرافات و اصلاح آنها از راهکارها و آموزه های قرآنی استفاده نمود. آنچه عرضه شد، تنها مقدمه و پیش درآمدی در وصول به این مقصد بود. امید آنکه مقبول درگاه احدیت قرار گیرد.

نتیجه گیری

دین مبین اسلام در آموزه های قرآنی به مبارزه با انحرافات برخواسته و آنچه را که در اولویت سفارشات خود قرار داده است پیشگیری از انحرافات اجتماعی است، درست بر اساس همان قاعده ای که می گوئیم پیشگیری بهتر از درمان است. قرآن به عنوان مهمترین منبع اصلی دین اسلام آموزه ها و راه کارهای معرفتی و اخلاقی را به منظور پیشگیری از انحرافات اجتماعی و اصلاح آن، بیان کرده است. با بررسی انحرافات اجتماعی در قرآن کریم مشخص گردید که علاوه بر بیان انحرافات مهم اجتماعی و نهی از ارتکاب به آن، راه کارهایی برای پیشگیری از آن ارائه شده است. مهمترین موارد از انحرافات اجتماعی که در این مقاله به آن پرداخته شد و راه پیشگیری و اصلاح آن مطرح گردید عبارتند: از کفر، شرک، ارتداد، نفاق، پذیرفتن ولایت کافرین و ظالمین، تسامح در دینداری، مشارکت در ناهنجاری ها، بی عدالتی، انحرافات جنسی، تقلید کورکورانه و مذموم، بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر (کاهش نظارت و کنترل اجتماعی) و انحرافات سیاسی.

